

واکاوی آسیب‌های فرهنگی – اجتماعی جریان‌های نوپدید فرهنگی و راهبردهای مدیریتی آن (مطالعه موردی عرفان حلقه)

محمد رضا تاجی اشکفتکی^۱، ساسان ودیعه^{۲*}، رضا صفری شالی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

DOI:10.30495/JISDS.2022.20434

چکیده

هدف نوشتار حاضر، واکاوی آسیب‌های فرهنگی- اجتماعی عرفان حلقه در ایران از یکسو و ارائه راهبردهای مدیریتی در این خصوص، از سوی دیگر است. در این مطالعه، با استفاده از تکنیک مصاحبه، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده است. جامعه هدف پژوهش مشتمل بر دو گروه، مروجان و اعضای جریان نوپدید عرفان حلقه در ایران و نیز، خبرگان و متخصصان در حوزه مورد مطالعه می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از روش اشیاع نظری و از هر گروه ۳۰ نفر جهت مصاحبه انتخاب شد. شیوه نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی (نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی)، صورت گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از شیوه تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که مهمترین آسیب‌های فرهنگی عرفان حلقه در ایران شامل: دین‌ستیزی و تضعیف اعتقادات دینی، نفی و تعالی‌زدایی از خداوند، ترویج قرائتی نوین از اسلام، شخصی‌سازی دین، مخدوش کردن چهره عرفان اصیل و حقیقی، تناسخ‌باوری، ترویج سبک زندگی مبتنی بر فردگرایی و لذت‌دنیایی، تحت‌الشعاع قراردادن هویت اسلامی، و مهمترین آسیب‌های اجتماعی آن شامل خودکشی، طلاق، شکاف و از هم‌گسیختگی خانوادگی، سوءاستفاده و کلاهبرداری، کاهش اعتماد اجتماعی، از دست دادن موقعیت اجتماعی، تضعیف شعائر و آئین‌های مشترک، آسیب رساندن به نزدیکان، انزوا طلبی و گریز از مسئولیت اجتماعی، سرسپردگی محض، ارتکاب مفاسد اخلاقی و اجتماعی، ارتباط با نامحرم، کلاهبرداری، مشکلات و اتخلافات خانوادگی و ... می‌باشد. مهمترین راهبردهای مدیریتی این جریان نوپدید شامل آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، تقویت بنیه‌ی اعتقادی و معنوی، توسعه سرمایه‌اجتماعی، مدیریت اوقات فراغت، تقویت کارکرد نهادهای ذیربط، تقویت نهادی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، سرسپردگی محض، سوء استفاده و کلاهبرداری می‌باشد.

واژگان کلیدی: جریان‌های نوپدید فرهنگی، عرفان حلقه، آسیب اجتماعی، آسیب فرهنگی، راهبرد

^۱ دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: m_tajil@yahoo.com)

^۲ استادیار و عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران (نویسنده مسئول).

(Email: S.vadidea5@gmail.com)

^۳ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(Email: reza_safaryshali@yhahoo.com)

مقدمه

امروزه دین به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده‌ی فرهنگ‌ها در آخرین موج جهانی شدن از جایگاهی ویژه برخوردار شده است. ظهور «جهانی‌شدن دین» و تداوم فرآیندهای در حال توسعه‌ی آن، یکی از محوری‌ترین روندهای جهانی حاکم بر جهان است. جهانی‌شدن دین و مرکزیت پیدا کردن آن به عنوان یک فرآیند معکوس جهانی‌شدن یعنی «بازگشت به سنت‌های دینی» در مقابل روند غالب جهانی، یعنی روند غیرروحانی شدن جهان از پیامدهای انعکاسی این فرآیند است. بر این مبنا می‌توان گفت، جهانی‌شدن نه تنها دین را به حاشیه نرانده، بلکه در متن دغدغه‌های روحی بشر معاصر قرار داده است و انسان معاصر بیش از هر زمان دیگر به دین و آموزه‌های دینی احساس نیاز می‌کند و جایگاه اندیشه‌ی دینی مورد تقویت و تأکید قرار گرفته است، به نحوی که برخی معتقدند جهانی‌شدن امکان عملی تعاملات و تبدلات پیام‌های اخلاقی و دینی را بین مردم اقصی نقاط دنیا فراهم آورده است. اما در این میان، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که جهانی‌شدن، چالش‌هایی را در عرصه فرهنگی و مشخصاً دین، در پی داشته است؛ بطوریکه، جهانی‌شدن باعث تقویت و تسریع غیرروحانی شدن دین گردیده و در عمل، در فرآیند جهانی‌شدن فرهنگ، غالباً از دین، مفهوم فردی آن تبلیغ می‌شود نه دین حکومتی و اجتماعی (حمیدی‌فراهانی و حشمتی، ۱۳۹۱: ۱۶۱-۱۶۰)، که بروز و ظهور عینی آن را در شکل‌گیری و گسترش جریان‌های فرهنگی نوپدید دینی می‌توان یافت.

جامعه ایران نیز به پیروی از تغییرات فراگیر جهانی چندین دهه است که در وضع تحول فرهنگی قرار گرفته است. با توجه به آنکه دین در کشور ما از عناصر اصلی سازنده نظام فرهنگی است، بی‌شک هرگونه دخل و تصرف و دگرگونی در آن، تغییرات در حوزه‌های دیگر اجتماعی، سیاسی و... را نیز به دنبال خواهد داشت؛ مضافاً اینکه، جامعه در حال تحول ایران، در حرکت به سوی مدرن شدن، شاهد تغییرات شدید، گسترده و عمیق در بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی است. پیدایش مفاهیم بسیار متنوع در تحولات دین‌داری از جمله شکل‌های دین‌ورزی، جهت‌گیری‌های دینی، نوگروی، دین‌انتخابی، جنبش‌های معنویت‌گرا و مواردی از این قبیل، تأییدکننده این مدعا هستند. در این بین، با گسترش جریان‌های فرهنگی نوپدید از جمله فرقه‌های نوظهور که در ایران تحت عناوینی چون ادیان بدیل، ادیان نوپدید، عرفان‌های سکولار، عرفان‌های کاذب، عرفان‌های غربی، عرفان‌های نوپدید و خرده‌فرهنگ‌ها شناخته می‌شوند، شاهد ظهور و رشد گونه‌های جدیدی از معنویت‌گرایی در کشور هستیم که می‌توان شروع آنها را اوایل دهه ۱۳۵۰ در نظر گرفت این جریان‌های فرهنگی در حدود سه دهه اخیر، رونق بسیار زیادی در کشور داشته‌اند. از میان جریان‌های فرهنگی مختلف در کشور، آنچه مدنظر نوشتار حاضر است، جریان‌های فرهنگی نوپدید تحت عنوان «فرق نوظهور» و مشخصاً «عرفان حلقه (کیهانی)» می‌باشد که در سال‌های اخیر در ایران، رشد چشمگیری داشته و از جمله موفق‌ترین این جریان‌ها در جذب افراد مختلف بوده و در عین حال معروفترین جریان دینی و معنوی در کشور محسوب می‌گردد و این قابلیت را داراست که چندین کارکرد را در عین حال انجام دهد که از جمله می‌توان به مواردی چون: الف) معنابخشی از طریق ارائه یک نظام عقیدتی جامع و فراگیر؛ ب) ایجاد تعلق جمعی و وابستگی گروهی؛ ج) آرامش‌بخشی و تسکین‌دهندگی؛ د) درمانگری؛ م) امکان نایل شدن به مقام مربی برای سرپرستی یک حلقه جدید به عنوان زیرمجموعه جریان اصلی و... اشاره نمود (محدثی، ۱۳۹۵: ۵۲۹-۵۲۸).

نوشتار حاضر، با تمرکز بر روی جریان فرهنگی نوپدید عرفان حلقه، در صدد تبیین جامعه‌شناختی و در راستای آن تشریح آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی آموزه‌های این عرفان در ایران و ارائه راهبردهای مدیریتی آن می‌باشد.

ادبیات جریان‌های فرهنگی نوپدید با تأکید بر عرفان حلقه

الف) ماهیت شناسی

جریان فرهنگی به گروهی اجتماعی اطلاق می‌شود که گرایش‌های فرهنگی همگون و یا یکسانی دارند و به سوی پدید آوردن یک

خرده‌فرهنگ پیش می‌روند. ویژگی این جریان‌ها پویا بودن، در حال گسترش بودن و مشغول یارگیری بودن است (کوئن، ۱۳۷۹: ۹۳). جریان‌های فرهنگی نوپدید، به واقع بخش عمده‌ای از جریان‌های نوپدید معنوی^۱ محسوب می‌شوند که مولود امانیسم و عقلانیت‌ابزاری معطوف به هدف و سوژه‌محوری به عنوان مؤلفه‌های اصلی مدرنیته هستند (کریسایدز، ۱۳۸۲: ۱۳۰). می‌توان بر این موارد در تعریف آنها اذعان داشت که این پدیده‌ها دربرگیرنده تبیین‌ها و تفسیرهایی در باب هستی بر پایه مفروضاتی مافوق طبیعی می‌باشند که الهام‌بخش احساسات و هیجان‌اتی ویژه در کنشگر بوده و غایت آنها، رستگاری و موفقیت این جهانی است (طالبی و رضانی، ۱۳۹۶). بکفورد و لواسور^۲ این قبیل جریان‌های نوپدید را به معنای تلاش‌هایی سازمان‌یافته، عمدی، جمعی و ویژه^۳ می‌دانند، برای آنکه انسان و منابع مادی را به سوی بسط ایده‌ها و احساس جدید راجع به یک طبیعت دینی سوق دهند (برادنی^۳، ۱۹۹۹: ۸۱). این جریان‌ها عمدتاً از جنگ جهانی دوم به بعد ظهور کرده و در اواخر دهه هفتاد در جوامع غربی و سپس در شرق بروز و ظهور پیدا نموده‌اند (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۴۱) و صاحب‌نظران بر مبنای منشاء و خاستگاه اولیه، آنها را به چهار گروه تقسیم‌بندی نموده‌اند که عبارتند از: جریان‌های فرهنگی با منشاء غربی (از قبیل شیطان‌گرایی و ستانیسم^۴)، جریان‌های فرهنگی با منشاء مسیحیت (مونیسیم^۵ و مورمون‌ها^۶)، جریان‌های فرهنگی با منشاء هندوئیسم و بودائیسم (فالون دافا^۷، اشو^۸، سای بابا^۹، دالای لاما^{۱۰} و...) و جریان‌های فرهنگی بومی.

از میان جریان‌های فرهنگی که ذکر آن رفت، تمرکز اصلی نوشتار حاضر بر جریان‌های فرهنگی با منشأ بومی می‌باشد که اشاره به جریان‌های فرهنگی نوپدید در جامعه ایران دارد که روز به روز در حال گسترش هستند و با عنوان‌ها و گونه‌های مختلفی خودنمایی می‌کنند و همچنان فعالیت می‌نمایند. این جریان‌ها، مهم‌ترین کارکرد خود را ایجاد آرامش روانی و به دنبال آن سلامت جسمانی و در برخی از موارد، ارتقای ذهنی و کمال معنوی بر می‌شمرند و با همین رویکرد، افراد بسیاری را به طرف خود می‌کشاند. برخی از این جریان‌های نوپدید در جامعه ایران عبارتند از: رام‌الله، راه معرفت و عرفان حلقه که از این میان، مبنای پژوهش در نوشتار حاضر، مشخصاً «عرفان حلقه» می‌باشد که قریب به چهار دهه اخیر در ایران، ظهور و گسترش پیدا نموده و به عضوگیری، رشد و اشاعه در کشور مشغول می‌باشد. این عرفان که نام دیگرش «عرفان کیهانی» است، به سرکردگی محمدعلی طاهری ظهور و بروز یافته است (رصد، ۱۳۹۷: ۱۲).

بطور کلی، ویژگی‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظرانی چون وینست^{۱۱}، هوتمن^{۱۲} و هوپر^{۱۳} در توصیف جریان‌های فرهنگی نوپدید ارائه شده است که قابل تعمیم به عرفان حلقه نیز می‌باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از: ارائه تعریفی جدید از خداوند، ترویج سبک زندگی مبتنی بر راحت‌طلبی، معادستیزی، ارائه معنویت‌گرایی نوین مبتنی بر فرهنگ غربی، باور به تناسخ، عدم پایداری و عضوگیری بیشتر از میان زنان به نسبت مردان و... شایان ذکر است این جریان‌ها، در کنار ویژگی‌هایی که برشمرده شد، ملزم به عضوگیری و به تبع آن گسترش دامنه و نفوذ خود می‌باشند تا بدین سبب، تداوم حیات داشته باشند.

¹ NRMS (New Religions Movement)

² Beckford & Levasseur

³ Bradney

⁴ Staniism

⁵ Monism

⁶ Mormons

⁷ Falun Dafa

⁸ Ashu

⁹ Sai Baba

¹⁰ Dalai Lama

¹¹ Vincent

¹² Houtman

¹³ Hupers

ب) سازوکارهای نفوذ و گسترش

بطور کلی، شناخت و بررسی سازوکارهای نفوذ و گسترش جریان‌های فرهنگی، یکی از مهم‌ترین عوامل توفیق در مدیریت این جریانها و اثرگذاریهای آنها محسوب می‌گردد؛ بر این مبنا، اگر نتوانیم زمینه‌های گرایش افراد به جریان‌های نوپدید- بلاخص عرفان‌حلقه- را بشناسیم، به معنی عدم شناخت آسیب‌ها و به تبع آن، عدم شناخت راهکارهای مواجهه و مقابله با آنها می‌باشد. ضرورت و اهمیت این شناخت و بررسی، آنگاه بیش از پیش خودنمایی می‌کند که متوجه این نکته باشیم که روند رو به رشد گرایش افراد به جریان‌های نوپدید، یکی از پدیده‌های قابل توجه در عرصه تحولات اجتماعی- فرهنگی جامعه معاصر ایران است. از دهه هشتاد شمسی، شهرهای بزرگ و حتی کوچک در کشور، شاهد رشد محسوس دوره‌ها و کلاس‌هایی بوده‌اند که با عناوین مختلفی مثل موفقیت، ارتباط موفق، خودشناسی، انرژی درمانی، یوگا، ذن، مدیتیشن، مثنوی خوانی، عرفان شرقی و نظایر اینها تشکیل می‌شدند. این فعالیت‌ها که معمولاً ورزشی، روان‌شناسانه یا درمانی (طبابت)، گاهی صریحاً عرفانی یا صرفاً علمی و ادبی جلوه می‌نمودند، اجمالاً و کم یا بیش در این ادعا اشتراک داشتند که می‌خواهند در ضمن آموزش‌هایی خاص، مخاطبان خود را با نوعی تجربه معنوی و روحانی یا درمانی آشنا کنند و ایشان را به سلامتی، موفقیت، آرامش، نشاط، امید یا به طور خلاصه به احساس خوشبختی در زندگی پرتنش جامعه امروزی نزدیک کنند.

پژوهشگران، هر یک از زوایای مختلفی به بررسی زمینه‌های گرایش به جریانهای فرهنگی نوپدید که ماهیتی معنوی و عرفانی دارند، پرداخته‌اند؛ بطوریکه مایکل لانگون^۱ سه مدل برای تبیین علت این گرایش مطرح کرده است: اول، گروه‌های مذهبی چون به نیازهای روانی اعضای خود به نحو مناسبی پاسخ می‌دهند، مورد استقبال قرار می‌گیرند. دوم، مردم به دلیل ارزیابی شناختی خود درباره عرفانها، به آنها می‌پیوندند. سوم، اساس کار این جریانها بر فریب استوار است و لذا آنها برای جذب افراد به تشکیلات خود و حفظ آنها، از دروغ استفاده می‌کنند (زارعان، ۱۳۹۴: ۱۱). غالب پژوهشگران بر این باورند که در این میان، ماهیت جریان‌های نوپدید نیز در جذب افراد بی تأثیر نبوده است؛ بطوریکه، یکی از متغیرهای مهم برای پیوستن افراد به جریان‌های دینی و معنوی، بدیع، چندکارکردی یا تک کارکردی بودن آنها است؛ بدین ترتیب که آن دسته از جریان‌های دینی و معنوی بدیع که چندکارکردی هستند، به موفقیت بیشتری در جذب افراد متنوع نایل می‌شوند؛ به عنوان مثال، عرفان حلقه جریانی است که هم زمان، چندین کارکرد را انجام می‌دهد: ۱- معنا بخشی از طریق ارائه یک نظام عقیدتی جامع و فراگیر؛ ۲- ایجاد تعلق جمعی و وابستگی گروهی؛ ۳- آرامش بخشی و تسکین دهنده‌گی؛ ۴- درمان گری؛ ۵- امکان نایل شدن به مقام ربی برای سرپرستی یک حلقه جدید به عنوان زیر مجموعه جریان اصلی و.. (محدثی، ۱۳۹۵: ۵۲۹-۵۲۸).

برخی از پژوهشگران نیز، قائل بر اثرگذاری زمینه‌های دینی- فرهنگی در گرایش افراد به جریان‌های نوپدید، بلاخص عرفان حلقه، می‌باشند و در این خصوص، عوامل و فاکتورهایی چون، شائبه عدم پاسخگویی دین سنتی، بحران هویت دینی، ضعف معرفت دینی و.. اثرگذار می‌باشد که از این میان، آن چه در تمامی افراد، عنصر مشترک تلقی می‌شود، ضعف باورها و اعتقادات و عدم شناخت صحیح معارف اسلامی است (ترابی، ۱۳۹۵). زمانی که ضعف معرفت دینی مستولی شده و راههای گوناگون به عنوان راه رستگاری و صراط مستقیم معرفی گردد، انسان سرگشته و عادت کرده به راحت طلبی‌های مدرنیته، انسان شیفته میانبرها، انسانی که سود بیش‌تر را در هزینه کم تر جست و جو می‌کند و انسانی که رستگاری اخروی را در توأمان شدن با کامیابی دنیوی می‌جوید، راهی را بر می‌گزیند که با حداقل پرداخت هزینه و با راحتی در دنیا، بتواند به سعادت ابدی نیز برسد و آن گرایش به جریان‌های نوپدید فرهنگی و در بطن آن عرفان‌های نوپدید می‌باشد (شکوهی، پیشین: ۱۶۳).

در کنار زمینه‌های ذکر شده، پژوهشگران از بسترهای و زمینه‌های اقتصادی نیز غافل نبوده و اذعان داشته‌اند که یکی از سازوکارهای جذب افراد به جریانهای نوپدید، سازوکار اقتصادی است؛ چرا که جریان‌های مذکور، در تبلیغات خود به دلیل رشد

¹ Michael Langon

فزاینده مشکلات اقتصادی مردم و جامعه و با سوء استفاده از این شرایط، قول بر طرف کردن مشکلات اقتصادی داده و مدعی هستند که با اتکاء به ایجاد تغییر نگرش افراد و آموزه‌هایشان، می‌توانند معضلات اقتصادی آنها را بر طرف نمایند (سینگر، بی تا: ۷۵). شایان ذکر است، برخی تشکیلات شرکت‌های غیرقانونی هرمی با تمسک به روش‌های عرفان‌های نوپدید، موفق به جذب و حفظ اعضا شدند. آنها، افراد را از سراسر کشور جذب کرده و در آپارتمان‌های اجاره‌ای نگهداری و صرفاً تحت مدیریت خود به هواخوری می‌بردند. اعضا از مطالعه کتاب و مشاهده تلویزیون محروم می‌شدند تا از طریق قطع ارتباط با خانواده و جامعه، تحت انقیاد قرار گیرند. اعضا با امیدوار شدن به آتیه عضویت در شرکت هرمی، آرزوهای خود را نقاشی می‌کردند. مثلاً حیاط چند هزار متری را نقاشی کرده و در گوشه حیاط خیالی، پارک شدن چند خودرو را به تصویر می‌کشیدند و در نهایت با زخمی کردن قسمتی از دست خود، تکه خونی را به انتهای نقاشی خود می‌چکاندند تا برای رسیدن به آرزوی خود، عهد و پیمان ببندند (همان: ۷۶).

اگر از منظر نظری، سازوکارهای نفوذ جریان‌های نوپدید فرهنگی را مورد واکاوی قرار دهیم، در خواهیم یافت که اساساً، سازوکارهای نفوذ و گسترش جریان‌های فرهنگی نوپدید از جمله عرفان حلقه را می‌توان بر مبنای نظریاتی چون برجسته‌سازی، فریمینگ^۱ و بازنمایی^۲ تبیین نمود؛ اگر جریان‌های فرهنگی را به مثابه رسانه‌هایی تلقی نمود که پیام‌هایی برای مخاطبان خود دارند، آنگاه می‌توان با استفاده از نظریه «برجسته‌سازی» به تبیین فرایند اثرگذاری آنها پرداخت؛ چرا که این نظریه، مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش است؛ به این معنا که رسانه‌ها با برجسته ساختن برخی موضوعات و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارند. گرچه نمی‌توانند تعیین کنند که مردم «چگونه» ببینند، اما می‌توانند تعیین کنند درباره چه فکر کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۸ - ۵۹). این در حالی است که چنانچه از منظر «نظریه بازنمایی» که بر این باور است که رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می‌گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان، بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌کنند، به تبیین سازوکارهای نفوذ جریان‌های فرهنگی نوپدید بپردازیم، در خواهیم یافت که این جریانها بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۹). نظریه «فریمینگ» نیز بر این باور است که چارچوب‌ها، ساختارهای شناختی اساسی و بنیادینی هستند که نحوه ارائه و ادراک واقعیت را تعیین و به فرد کمک می‌کنند تا بتواند دنیای اطراف خود را تفسیر کند. بدین لحاظ، چارچوب‌هایی ذهنی و نگرشی که جریان‌های فرهنگی ارائه می‌دهند را می‌توان طرح‌واره‌های شناختی دانست که بر نحوه ادراک و فهم افراد از واقعیت تأثیر می‌گذارند (علم‌داری، ۱۳۸۸: ۱۰).

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است که در آن، با استفاده از تکنیک مصاحبه، داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده است. جامعه هدف پژوهش مشتمل بر دو گروه: ۱. مروجان و اعضای عرفان حلقه در ایران و ۲. خبرگان و متخصصان در حوزه مورد مطالعه می‌باشد که حجم نمونه با استفاده از روش اشباع نظری و از هر گروه ۳۰ نفر جهت مصاحبه انتخاب شد. در تشریح دلیل انتخاب دو جامعه هدف برای بخش میدانی باید گفت که ماهیت سوالات مصاحبه‌ها و نیز اهداف متمایز سوالات، لاجرم نیاز به دو گروه هدف را ایجاد می‌نمود؛ بدین ترتیب که برای آگاهی از آموزه‌های عرفان حلقه و شناسایی مهم‌ترین اهداف و برنامه‌ریزی‌های هدایت‌کنندگان این عرفان، جامعه هدفی متشکل از اعضای عرفان حلقه مدنظر قرار گرفت تا با توجه به تجربه زیستی خود و حضور در جرگه این عرفان، پاسخگوی سوالات مربوطه باشند. اما به منظور تبیین اثرگذاری آموزه‌های این عرفان و آسیب‌های آن در حوزه های اجتماعی - فرهنگی و در نهایت ارائه پیشنهادات به منظور مدیریت این جریان فرهنگی نوپدید در کشور، ضرورت ایجاد می‌نمود که مصاحبه از خبرگان و متخصصین موضوع مورد مطالعه صورت پذیرد.

^۱ Framing theory

^۲ Representation

لازم به ذکر است، شیوه نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی (نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی)، صورت گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از شیوه تحلیل محتوی کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل محتوا به طور بالقوه یکی از مهمترین تکنیک‌های پژوهشی در علوم اجتماعی است که به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد، مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم؛ سامان می‌یابند. هولستی^۱ تحلیل محتوا را به هر تکنیکی که برای استنباط نظام‌مند و عینی ویژگی‌های خاص پیام‌ها به کار می‌رود، اطلاق می‌کند (هولستی و دیگران، ۲۰۱۱: ۸۲). با توجه به ماهیت تحقیقات کیفی، اعتباریابی ابزار تحقیق در فرایند جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات صورت گرفت، بدین صورت که بعد از مطالعات اولیه، با مراجعه به دو جامعه هدف، سوالات مصاحبه دقیق‌تر گردید و سوالات غیرمرتبط حذف شدند و داده‌ها در راستای اهداف و سوالات پژوهش جمع‌آوری گردید.

در کل، تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (حسیه و شنسانون^۲، ۲۰۰۵). این نوع تحلیل محتوا، از داده‌های متنی پراکنده حرکت می‌کند و با بیرون کشیدن مفاهیم مستتر در آن، به تدریج به سطوح انتزاعی‌تر از متن دست می‌یابد. دستیابی به یک مدل یا چارچوب نظری که نظم‌های نهفته و الگوهای تکرار شوند در متن را نشان دهد، می‌تواند پایان‌بخش تحقیق باشد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۸). در خصوص مفاهیم اساسی در فرایند تحلیل محتوای کیفی توافق اصولی وجود ندارد اما آنچه که مسلم است آن است که مفاهیمی چون، واحد تحلیل، واحد معنا، رمز، مقوله و تم در این تحلیل به چشم می‌خورد. بر این مبنای «واحد تحلیل» در پژوهش حاضر، متن مصاحبه‌هایی است که صورت پذیرفته است. واحد تحلیل باید به اندازه‌ای باشد که به منزله زمینه‌ای برای واحد معنا در فرایند تحلیل در نظر گرفته شود. «واحد معنا» عبارت است از مجموعه‌ای از واژگان یا جمله‌ها که بتوان ارتباطی از معانی مشابه و یکسان در آنها یافت و بر اساس این معنای مشابه آنها را تقسیم‌بندی کرد. واحد معنا، مبنای پایه ساخت «رمزگذاری» است و از واحد معنا می‌توان به رمزگذاری رسید. از این رو، بر اساس واحد معنا، باید داده‌ها را با توجه به نوع تحقیق در مرزهای مختلف قرار داد. پس از رمزها به بررسی اصطلاح «مقوله» می‌رسیم که مرحله بعدی در تحلیل محتوای کیفی است؛ ایجاد مقوله، ویژگی اصلی تحلیل محتوای کیفی است. یک مقوله، گروهی از مضامین است که در یک وجه اشتراک شریک می‌باشند. یک مقوله اغلب در بر دارنده شماری از «زیر مقوله» هاست. پس از مقوله، به واپسین مفهوم در تحلیل محتوای کیفی می‌رسیم که مفهوم «تم» است که از مفاهیم و کلید واژه‌های اصلی در تحلیل محتوای کیفی است، تم که به پرسش چگونه است پاسخ می‌دهد، رشته‌ای از معانی برجسته، واحدهای فشرده، رمزها یا مقوله‌ها بر اساس سطوح تفسیری است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۰) که مضامین و معانی اساسی را در مقوله‌ها با هم مرتبط می‌سازد؛ لذا می‌توان تم را یک اصل تکراری ایجاد شده درون مقوله‌ها دانست، به تعبیری دیگر، تم، رشته‌ای از معانی و مضامین است که حوزه به حوزه تکرار می‌شوند.

یافته‌ها

در این بخش از مقاله، به منظور آگاهی از آسیب‌های اجتماعی- فرهنگی عرفان حلقه، با تأمل و تدقیق در متن مصاحبه‌های انجام شده، تحلیل محتوا صورت پذیرفته است. یافته‌های حاصل از تحلیل، مبین وجود آسیب‌هایی در حوزه‌های مذکور به شرح ذیل است:

الف) آسیب‌های فرهنگی عرفان حلقه

تحلیل متن مصاحبه‌ها حاکی از آن است که از منظر مصاحبه‌شوندگان، عرفان حلقه واجد آسیب‌های فرهنگی بدین شرح می‌باشد:

¹ Holstein

² Hsieh & shsanon

جدول ۱: تحلیل محتوای آسیب‌های فرهنگی

تم	مقوله‌های اصلی ^۱	زیر مقوله‌ها ^۲
آسیب‌های فرهنگی	تضعیف مبانی دینی و اعتقادی	دین ستیزی
		نفی خداوند (بی‌خدایی)
		تعالی زدایی از خداوند
		متزلزل کردن پایه های ایمان مردم (خصوصاً نسل جوان)
		شک در وجود پیامبران و امامان
		ترویج عرفان‌های کاذب
		بسط و گسترش عقاید و تفکرات انحرافی و خلاف شرع
		ارائه معنویت فرادینی و ترویج اسلام تجددگرا
		بدعت گذاری در دین
		عبور افراد از شریعت
	تحت الشعاع قرار دادن هویت اسلامی	
	ترویج سبک زندگی غیراسلامی	ناسازگاری با فرهنگ رایج در جامعه
		شخصی سازی دین
		ترویج رستگاری دنیوی (سبک زندگی مبتنی بر لذت دنیایی)
اشاعه بی بند و باری و اختلاط		
		ترویج بی‌حجابی

بر مبنای یافته‌های جدول فوق، برخی آسیب‌هایی فرهنگی عرفان حلقه را می‌توان بدین شرح تحلیل نمود:

۱. دین ستیزی و تضعیف اعتقادات دینی

مصاحبه‌شوندگان اذعان داشته‌اند، عرفان حلقه با نقد متون اسلامی (قرآن، صحیفه سجادیه، نهج‌البلاغه، مفاتیح و...) و شبهه‌ناک خواندن تعالیم اسلامی مندرج در این متون، به اساس باورهای فرد در خصوص توحید، نبوت، معاد و... ضربه زده و به این ترتیب اساس اسلام و دین فرد به تزلزل کشیده می‌شود. در خصوص فروع دین و احکام شرعی نیز این جریان فرهنگی، نظراتی خلاف دستورات شرع مبین اسلام ارائه کرده است؛ برای مثال، دور شدن از نماز به بهانه رسیدن به اصل نماز و دوری از حجاب به خاطر جذب نوعی از انرژی و... از این موارد است. این در حالی است که اعتقادات تکیه گاه محکمی هستند که با وجود آن افراد می‌توانند، در برابر سایر بحران‌ها ایستادگی کنند و آسیب‌های دیگر را برطرف سازند؛ اما اگر به اعتقادات آسیب وارد شود، سایر آسیب‌ها نیز مؤثرتر و ماندگار خواهند شد.

۲. نفی و تعالی زدایی از خداوند

از منظر مصاحبه‌شوندگان، در بین ابعاد مختلف آسیب‌های فرهنگی، انحرافات مربوط به خداشناسی بنیادین تر و تزلزل افکن تر از همه است. جابه‌جایی خدا از یک جایگاه متعالی و بیرونی به یک جایگاه فرودین و درونی در عرفان حلقه دیده می‌شود؛ این در حالی است که از دیدگاه معنوی اسلام، خداوند همه جا هست و حضور او در درون هر کس مانع تعالی الهی نیست و او به درون انسان محدود نمی‌شود؛ اما در عرفان حلقه، خداوند یا بیرونی، ساکن در آسمانها و در نتیجه دور از دنیا و یا مرده و نادیده انگاشته می‌شود و در مقابل آن به صورت نیروی خلاق هستی و سرچشمه زندگی تنها به صورت درونی درک و تجربه می‌شود. به این ترتیب توجه جریان‌های نوپدید بالأخص عرفان حلقه، بر خدای درون است و درونی بودن خداوند را در تقابل با تعالی الهی قرار

¹ Main Categories

² Sub Categories

می‌دهند. خدای درونی شده دیگر خدای متعال و قاهری نیست که ادیان الهی معرفی کرده‌اند و کاملاً تفسیری درونی و انسانی پیدا می‌کند. عرفان نوپدید حلقه، خدا را نمادی از قدرتهای درونی و شعور باطنی انسان می‌داند، بطوریکه انسان در مسیر خداشناسی و رشد معنوی به خداشناسی می‌رسد؛ به این معنا که راز بزرگی را کشف می‌کند و می‌فهمد که خدا در حقیقت خودش بوده است.

۳. ترویج قرائتی نوین از اسلام

پس از تعالی‌زدایی از خداوند، عرفان حلقه، اقدام به تبلیغ و ترویج قرائتی از اسلام تحت عنوان «اسلام تجددگرا» می‌نماید؛ اسلامی که از دیدگاه آنها، مبتنی بر تساهل، بی‌یقینی، روزآمد و عقلانی توصیف می‌گردد. این قرائت از اسلام، نه تنها به تکثرگروی دینی قائل است و از تکثرگروی سیاسی نیز استقبال می‌کند و بر روح پیام اسلام تأکید دارد، نه بر ظواهر آن، دین را برآورنده نیازهای دنیوی و اخروی می‌داند و معتقد نیست که با تأسیس حکومت دینی و ایجاد جامعه دینی لزوماً رفاه مادی نیز حاصل می‌آید. همچنین لازم به ذکر است، اسلام تجددگرا، احکام شریعت و فقه را تغییر ناپذیر نمی‌داند، بلکه بیشتر آنها را مختص به زمان، مکان و اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی جامعه عرب چهارده قرن پیش می‌انگارد و جمود بر آنها را موجب دورشدن از روح پیام جهانی و جاودانی اسلامی می‌داند؛ بنابراین به هیچ روی، دغدغه تأسیس جامعه‌ای را ندارد که در آن احکام شریعت و فقه، موبه‌مو به همان صورتی که در هزار و چهارصد سال پیش اجرا می‌شده است، اجرا شود؛ بلکه بیشتر سعی در عقلانی‌سازی احکام شریعت و فقه و نزدیک ساختن این احکام به حقوق بشر و نوعی اخلاق جهانی مورد فهم و قبول انسان امروز دارد.

۴. شخصی‌سازی دین

در این عرفان، دین و معنویت را امری شخصی می‌دانند و نقشی برای آن در شکل‌دادن به ساختارهای اجتماعی و اصلاح و تغییر حکومتها در نظر نمی‌گیرند. البته ممکن است نتایج و پیامدهای معنویت در زندگی اجتماعی را گوشزد کنند؛ اما آنها را به عنوان پیامدهایی که خارج از متن تعالیم دینی و فرآیند دین‌ورزی است، می‌داند؛ بنابراین، مداخله مستقیم، آشکار و روشمند دین و معنویت در امور سیاسی و اجتماعی را نفی کرده و به آثار و کاربردهای آن به طور غیرمستقیم توجه دارند. بر این مبنای، آنچه در عرفان حلقه دیده می‌شود، توجه کمتر به رستگاری به معنای سنتی است. در این جریان فرهنگی نوپدید، معیارها به کلی دگرگون شده است؛ این جریان که با فرهنگ رایج سرمایه‌داری غرب تطابق دارند، به جای معیارهای اخلاقی و ابدی برای سنجش رستگاری، آرمانها و داعیه‌های دینی خود را با پیامدهای کاملاً مادی می‌سنجند. بر این مبنای، از منظر عرفان حلقه، دموکراسی، انتخاب شخصی، آموزش و درآمدهای رو به افزایش، از جمله عواملی هستند که در گستره باورهای دینی جدید قرار می‌گیرند.

۵. تناسخ باوری

یکی از اندیشه‌هایی که در عرفان حلقه رایج است، باور به تناسخ است که به واقع، از جمله مصادیق بسط و گسترش عقاید و تفکرات انحرافی و خلاف شرع قلمداد می‌گردد. بر اساس این باور که در تعارض با باور معاد در ادیان الهی است، عرفان حلقه به مقابله با مرگ‌اندیشی پرداخته و حتی گاهی مرگ را موهوم و زندگی را جاویدان معرفی می‌کند و اینگونه بیان می‌دارد که هر کس نتیجه اعمال و نیاتش را در این دنیا می‌بیند؛ کسانی که بد باشند در زندگی بعدی بیمار، فقیر و در شرایط بد زندگی متولد می‌شوند تا رنج بکشند و یا ممکن است به صورت حیوان متولد شوند تا بیشتر رنج بکشند و نتایج بدیهایشان از بین رفته و پاک شوند، سپس در زندگی بعد از آن در شرایط بهتر به دنیا می‌آید؛ متقابلاً کسانی که خوب باشند در زندگی بعدی با سلامتی، ثروت و موقعیت ممتاز اجتماعی متولد می‌شوند تا پاداش خوبی‌هایشان را دریافت کنند. از نگاهی کلان می‌توان گفت، تناسخ به عنوان ابزاری است برای تحقق اهداف و منویات نظام ماده‌گرای سرمایه‌داری و سیاست غایبی‌اش یعنی نابودی دین و معنویت خواهی در سراسر جهان. حال آنکه، بر اساس آموزه‌های اسلامی و آیات قرآن، تناسخ باطل است.

۶. ترویج سبک زندگی مبتنی بر فردگرایی و لذت‌دنیایی

از منظر مصاحبه‌شوندگان، آسیب دیگری که در واقع ره‌آورد جریان‌های فرهنگی نوپدید بلاخص عرفان حلقه است، ملاحظه انسان به عنوان محور هستی است که به خداگرایی مستلزم نیست. این در حالی است که تسلیم خداوند شدن و به فرمان و اراده او عمل کردن، آموزه‌ای است که در ادیان اصیل مورد تأکید بوده است؛ اما در عرفان حلقه، خواست خود و دنبال کردن امور دلخواه به عنوان راه رستگاری و سعادت معرفی می‌شود. به تعبیری دیگر این عرفان، گوش سپردن به ندای درون را به جای گوش سپردن به فرمان خداوند قرار داده و ندای درون را بزرگ‌ترین راهنمای انسان می‌دانند. ضمیر ناخودآگاه، عمده‌ترین تئوری توجیه‌کننده این آموزه فراگیر در این عرفان است.

۷. تحت الشعاع قرار دادن هویت اسلامی

به عنوان آخرین آسیب فرهنگی عرفان حلقه از منظر مصاحبه‌شوندگان، باید به تحت الشعاع قرار دادن «هویت اسلامی» اشاره نمود. عرفان حلقه به عنوان یکی از جریان‌های نوپدیدی که امروزه در کشور فعال بوده و عضوگیری می‌نماید، تعمداً ساخته شده است تا هویت اسلامی جامعه را تحت الشعاع قرار دهد. هویت ملی و دینی اصیل را از نسل سوم و چهارم انقلاب اسلامی بگیرند و به آن سمت و سویی که می‌خواهند سوق دهند و در نهایت، هویتی جعلی را جایگزین آن سازند. این جریان، به دنبال سربازگیری و یارگیری برای خود است و بیشترین حمایت‌ها را از سوی دولت‌های غربی و نظام سلطه جهانی دریافت می‌کند، به این امید که بتواند راه نفوذی در انقلاب اسلامی برای خود ایجاد کرده و جایگاهی در آن پیدا کند. بنابراین این قبیل جریانها، اساساً از سوی غرب و در راستای اهداف آن برای سلطه و مقابله با نظام اسلامی به وجود آمده و فعالیت می‌کنند.

ب) آسیب‌های اجتماعی عرفان حلقه

با تدقیق در پاسخ‌هایی که مصاحبه‌شوندگان بیان داشته‌اند، آسیب‌های اجتماعی عرفان حلقه به شرح جدول ذیل استخراج گردید:

جدول ۲: تحلیل محتوای آسیب‌های اجتماعی

تم	مقوله‌های اصلی	زیر مقوله‌ها
آسیب‌های اجتماعی	سست نمودن بنیان‌های خانوادگی	طلاق
		مشکلات و اختلافات خانوادگی (میان همسران، والدین و فرزندان)
		ایجاد شکاف در خانواده
	ترویج مفاسد اخلاقی	ترک زندگی از سوی اعضای خانواده
		سیگار کشیدن
		سرسپردگی محض
	ارتکاب جرائم و بزه اجتماعی	ترویج ارتباط با نامحرم (به صورت حضوری یا تلفنی)
		خودکشی
		آسیب رساندن به نزدیکان (قتل و صدمه به آنها و..)
		کلاهبرداری
		سوء قصد به جان
	ایجاد تزلزل اجتماعی	مداخله غیرقانونی و غیر مجاز در امور پزشکی و درمان بیماران
		از دست دادن موقعیت اجتماعی
		تضعیف شعائر و آئین‌های مشترک
		کاهش اعتماد اجتماعی
انزوایی و گریز از مسئولیت اجتماعی		
ایجاد گسست اجتماعی		

یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای آسیب‌های اجتماعی عرفان حلقه - درج شده در جدول فوق - مبین آن است که آموزه‌های این جریان نوپدید در کنار آسیب‌های فرهنگی، زمینه ساز و مسبب آسیب‌هایی اجتماعی به شرح ذیل نیز می‌باشد:

۱. خودکشی

مصاحبه شوندگان اذعان داشته‌اند، عرفان حلقه، با توجه به آسیب‌هایی که از منظر روحی و روانی در فرد ایجاد می‌کند، وی را مستعد ارتکاب بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌نمایند؛ بطوریکه فردی که از منظر روحی و روانی افسرده و پریشان می‌باشد، امید به زندگی نداشته و مدام دچار ترس از خود، افراد و محیط پیرامونی می‌باشد، در نهایت به سمتی سوق پیدا می‌نماید که به منظور تغییر وضعیت موجود و رهایی از فشارهای روحی و روانی، به زندگی خود خاتمه داده، یا خودکشی نماید.

۲. طلاق و از هم گسیختگی خانوادگی

دامن زدن به اختلافات سلیقه‌ای و گرایش‌های شخصی و کشیده شدن آن به سطح بینش‌ها و ارزش‌های معنوی موجب اختلال در روابط همسری می‌شود. به علت بنیادی بودن بینش‌های معنوی، با تغییر آنها سایر باورها و ارزشها و رفتارهای فرد نیز تغییر می‌کند. این تغییرات فشار زیادی را در زندگی مشترک وارد کرده و شرایط را برای فرد تغییر داده و یا همسر او را به شکل تحمل‌ناپذیر در می‌آورد. بر این مبنای، افرادی که متأثر از تعالیم و آموزه‌های عرفان حلقه می‌باشند، با توجه به تحت فشار بودن از منظر روحی، روانی و نیز جسمانی، عمدتاً تصمیم می‌گیرند که شرایط زندگی خانوادگی را دگرگون نمایند، ماحصل چنین دگرگونی‌ای، از هم گسیختگی در روابط همسری و به تبع آن طلاق می‌باشد. اما، گاه، عضو نوجوان یا جوان خانواده در دام عرفان حلقه گرفتار می‌گردد، در چنین شرایط، ایجاد شکاف و از هم گسیختگی در خانواده (در روابط والدین و فرزندان) مشهود می‌گردد؛ چرا که در حالت عادی به علت تفاوت سنی و سرعت تحول شرایط زندگی، میان والدین و فرزندان فاصله زیادی وجود دارد، عرفان حلقه با ایجاد باورها و نگرش‌های خاص، این شکاف را بیشتر کرده و مسائل سلیقه‌ای را به باورها و مسائل بنیادی‌تر زندگی می‌کشد؛ بطوریکه تحمل والدین برای فرزند غیرممکن شده و کاملاً به دامان عرفان حلقه پناه می‌برند. در این حال، زمینه برای آسیب‌های دیگر فراهم می‌شود؛ زیرا یک نوجوانان و یا جوان وقتی در کنار والدین با تجربه و دلسوز خود نباشد، بسیار آسیب‌پذیر خواهد شد و به راحتی بازی داده می‌شود. بی‌شک این اختلافات در بین همسران، والدین و فرزندان می‌تواند آثار نامطلوبی داشته و به انسجام و استحکام نهاد خانواده در جامعه آسیب برساند.

۳. سرسپردگی محض، سوء استفاده و کلاهبرداری

مصاحبه شوندگان بر این نکته مهم اذعان داشته‌اند که اعضای خانواده‌هایی که دچار شکاف و از هم گسیختگی می‌باشند، اساساً در عرفه حلقه پذیرش بالایی دارند چرا که از مراقبت و حمایت‌های خانوادگی یا محروم بوده و یا خود را محروم کرده‌اند و لذا به دامان این عرفان پناه می‌برند؛ آن هم جریانی که در تلاش به منظور در اختیار گرفتن تمام امور مریدان و پیروان خود است. آنها برنامه‌ریزی دقیقی برای زندگی پیروان خود طراحی می‌کنند و همه ابعاد زندگی آنها را تحت کنترل دقیق خویش در می‌آورند. در چنین شرایطی، افراد به سرسپردگانی تبدیل می‌گردند که بازپچه دست رهبر و مسترهای عرفان می‌باشند و آنها، نوع مسکن، ازدواجشان، نوع غذایشان، شغل‌شان و تأمین همه امور زندگی را به مریدان خود وعده می‌دهند؛ این در حالی است که سرکردگان این عرفان، خود در شرایط مطلوب و خانه‌های مجلل زندگی می‌کنند. از اعضای خود پول می‌گیرند یا از آنها می‌خواهند که کل اموالشان را در جهت منافع عرفان حلقه به نام رؤسای این عرفان منتقل کنند. در چنین شرایطی است که سرسپردگان به این جریان،

با سوء استفاده و کلاهبرداری نیز مواجه می‌گردند، بدون آنکه خود متوجه این مهم باشند، در کمال رضایت، نسبت به انتقال دارایی و اموال خود در جهت منافع و اهداف جریان، اقدام می‌نمایند.

۴. از دست دادن موقعیت اجتماعی

آسیب دیگری که در دسته آسیب‌های اجتماعی جای دارد، از دست دادن شغل و موقعیت اجتماعی است. در میان طرفداران عرفان حلقه، مشهود است که افراد به دلیل نابسامانی روحی ناشی از برون‌ریزی، در جامعه مورد مذمت و طرد قرار می‌گیرند و جایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دهند. چرا که انگیزه و آرامش روحی و روانی به منظور تداوم زندگی فردی و اجتماعی نداشته لذا عمدتاً شغل و به تبع آن درآمد خود را از دست داده و دچار تنزل موقعیت اجتماعی در جامعه می‌گردند.

۵. کاهش اعتماد اجتماعی

عموماً رهبر و مسترهای عرفان حلقه، به پیروانشان وعده‌هایی می‌دهند مثل شفای بیماری، برخورداری از یک نیروی خاص یا تغییرات مطلوبی که برای پیروان جالب است یا اینکه آنها را در پروژه ای مثل ساختن یک شهرک به مشارکت فرا می‌خواند. پیروان از روی اعتمادی که به رهبر این جریان یا سرکردگان آن دارند، همکاری می‌کنند، اما اموال آنها به شکل دیگری هزینه می‌شود و یا به نتایج مطلوب نمی‌رسند. در این شرایط آنها به چیزی که برایش هزینه کرده‌اند، نمی‌رسند و دروغ بودن وعده‌های داده شده فاش می‌گردد. لذا می‌توان گفت، دستاوردی که این جریان نوپدید برای جامعه به دنبال می‌آورند، به وجود آمدن روحیه تردید و بی‌اعتمادی و ناامیدی است. تحقیقات میدانی گسترده نشان می‌دهد که عضویت در عرفان‌های نوپدید سیال و ترک عضویت بسیار شایع است، این موضوع بیش از هر چیز نشان دهنده سرخوردگی از عضویت در این جریان‌ها و در نتیجه روی آوری به جریان نوپدید دیگر است. وعده‌ها و ادعاهای مطرح شده از سوی رهبر و مسترها، قابل تحقق نیست و گروندگان پس از مدتی متوجه می‌شوند که در حال برآوردن آرزوها و خواسته‌های دیگران هستند. بهره‌برداری اقتصادی، قدرت و نفوذ بر دیگران، مورد احترام و تعظیم قرار گرفتن سرکردگان این عرفان را و می‌دارد تا از راه‌های گوناگون، مردم را به انقیاد خود فرابخواند و پس از مدتی این موضوع، موجب رانده شدن افراد و دلزدگی و سرخوردگی آنها می‌شود. بی‌اعتمادی و ناامیدی، زبان‌های جبران ناپذیری را در جامعه به بار می‌آورد. وقتی مدعیان معنویت که در هاله‌ای از تقدس جلوه می‌کنند، قابل اعتماد نباشند، چطور می‌توان به دیگران اعتماد کرد؟ کاهش اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی را سست نموده و همبستگی را به شدت کاهش می‌دهد؛ بطوریکه مردم یک جامعه به مجموعه‌ای از افراد گسیخته و منفرد تبدیل می‌شوند که نمی‌توانند با هم دست به کارهای بزرگ بزنند. مردمی که در تردید و سرگردانی و ناامیدی و سرخوردگی زندگی می‌کنند، مردمان ضعیف و بی‌اراده خواهند بود که هر کس به راحتی می‌تواند بر آنها مسلط شود و نمی‌توانند تصمیم‌های بزرگ بگیرند؛ آرمانهای والا داشته باشند و بر آرمان‌هایشان ایستادگی نمایند.

۶. تضعیف شعائر و آئین‌های مشترک

شعائر و مناسک دینی، به عنوان بازنما و بازتکرار تعالیم و باورها، نقش مهمی در انسجام اجتماعی دارند. مناسک، ارزشهای یک جامعه را مجسم می‌سازد و شبکه‌های اجتماعی را از نو تقویت می‌کند. مناسک، به صورت نمادین، معنای مشترک میان افراد هم آئین را بر ملا می‌نماید و یک زندگی جمعی با نظمی معنادار را شکل می‌بخشد. آئین‌های مختلف همچون آئین‌های تشریف، آئین‌های تطهیر، آئین‌های تولد، ازدواج و مرگ، آئین‌های مربوط به جشن‌ها و ایام خاص، همه و همه، به نفوذ دادن مفاهیم و جهت‌گیریهای دینی در قلب و روح افراد می‌پردازند و کل وجود آنها را تسخیر کرده، همراستا می‌سازند. آئین‌ها به صورت سمبولیک، نشان می‌دهند که جهان واقعی در نظر پیروان، چگونه تفسیر می‌شود و در حالت آرمانی چگونه باید باشد. از آنجا که باورها دارای هر عمقی که باشند، اموری درونی و نامشهودند، به خودی خود، ارتباط اعتقادی میان افراد ایجاد نمی‌کنند. تنها راه

همدلی و هم‌رأیی در اعتقادات دیگران، شرکت با آنها در یک مراسم آئینی است. هر فرد با مشارکت پویا در شعائر، نه تنها ایمان و پایبندی مقدس خود را برای خویشن اثبات و تقویت می‌کند، بلکه برای دیگران نیز این ایمان را به نمایش می‌گذارد و بدین ترتیب، ساختاری برای ارتباط قدرتمند و فعال افراد جامعه شکل می‌گیرد. فرد مؤمن با شرکت در هر مراسم مذهبی، هویت دینی و ملی را یک بار دیگر آشکار می‌سازد و برای خویش مجسم می‌نماید. توقع می‌رود که هرگونه اخلال در مراسم و مناسک دینی یک ملت، با رویارویی و مقابله تند پاسخ داده شود. اما اگر این اخلال، به دلایل فرهنگی، نهادینه گردد، می‌تواند آسیبی جدی بر انسجام اجتماعی وارد آورده و هویت ملی را تهدید نماید. در این تهدید، فرق نمی‌کند که مناسک دینی، در متن جامعه‌ای سکولار تعطیل شوند یا جای خود را به انبوهی از عادات و رسوم دینی یا شبه دینی متکثر دهند - آنگونه که در جریان‌های نوپدید فرهنگی، بلاخص عرفان حلقه، شاهدش هستیم - زیرا در هر دو صورت، الگوهای ارتباطی میان افراد متعلق به یک سنت دینی، از میان می‌روند.

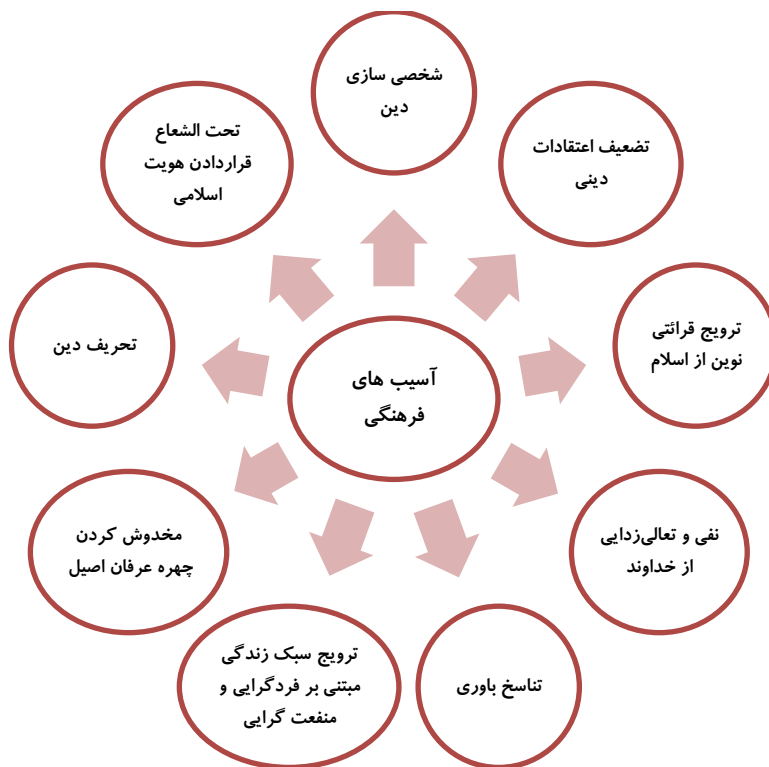
نتیجه‌گیری و ارائه راهبردهای پیشنهادی

آنچه مسلم است آن است که کارکردها و به تبع آن آسیب‌های جریان‌های فرهنگی نوپدید در غرب و در ایران متفاوت است؛ در غرب، کارکرد اصلی جریان‌های مذکور، درونی کردن ارزش‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری است، معنویتی که به دنبال منفعت است؛ لذا عقلانیتی که در جستجوی حقیقت است به حاشیه می‌رود؛ اما در جامعه اسلامی ایران، جریان‌های نوپدید فرهنگی - از جمله عرفان حلقه - یکی از ساختارها و محصولات «کلان جریان فرهنگی تجدد» در ایران زمین، قلمداد می‌شوند که با ظاهری فرهنگی، اما ماهیت و اهدافی ضد فرهنگی، آبخوری از فرهنگ غرب و زندگی مدرن و مبتنی بر دیدگاه‌های سرمایه‌داری را دارا می‌باشند که در آن، انسان مدرن، دور از معنویات حقیقی نگه داشته می‌شود و در تمدنی زندگی می‌کند که غیر از جهان و زندگی مادی برای چیز دیگری ارزش قائل نمی‌باشد. با توجه به اینکه دین در کشور ما از عناصر اصلی سازنده نظام فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است، بی‌شک هرگونه دخل و تصرف و دگرگونی در آن، تغییرات در حوزه‌های دیگر را نیز به دنبال خواهد داشت. مضافاً اینکه، جامعه در حال تحول ایران، در حرکت به سوی مدرن شدن، شاهد تغییرات شدید، گسترده و عمیق در بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی است. بر این مبنا، موجودیت‌های فرهنگی نوپدید در کشور، با رشد و گسترش آموزه‌های خود که در تقابل با نظام فرهنگی، ارزشی، اعتقادی و اجتماعی جامعه اسلامی می‌باشد، بی‌شک، کارکردهایی کاملاً آسیب‌زا خواهند داشت. واکاوی جامعه‌شناختی جریان نوپدید عرفان حلقه به مثابه یکی از فعال‌ترین جریان‌های فرهنگی نوپدید در کشور، حاکی از آن است که آموزه‌های این عرفان، آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی خاص خود را در کشور به دنبال خواهد داشت؛ از میان آسیب‌های مذکور، مخرب‌ترین آسیب‌ها برای جامعه‌ای دینی - اسلامی، آسیب‌های فرهنگی است که عمده‌ترین این آسیب‌ها، به شرح نمودار ذیل می‌باشد:

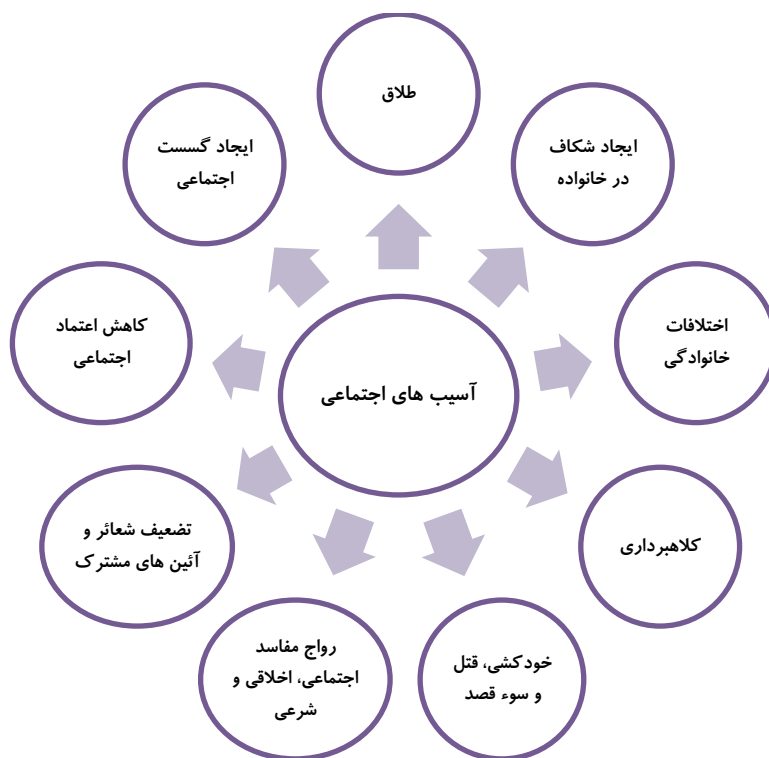
پس از آسیب‌های فرهنگی، مشهودترین آسیب‌ها، آسیب‌های اجتماعی می‌باشد که زیست اجتماعی در جامعه را تحت الشعاع قرار داده و به تبع آن جامعه را با چالش‌هایی در حوزه اجتماعی، مواجه نموده است. عمده‌ترین این آسیب‌ها به شرح نمودار ذیل می‌باشد:

در آخر، با توجه به آنکه عرفان حلقه به مثابه جریان فرهنگی نوپدید و فعال در ایران، دارای مؤلفه‌هایی می‌باشد که با آنچه از آن به فرهنگ بومی ایرانیان یا فرهنگ اسلامی ایرانی، هویت ملی، ارزشها و منابع ملی و.. یاد می‌شود، در تقابل آشکار است و گسترش تدریجی این باورها در بلندمدت باعث ایجاد تغییرات اساسی در عرصه‌های فرهنگ دینی و اجتماعی ما خواهد شد. بر این مبنا، راهبردها و به تبع آن راهکارهایی به منظور مدیریت هر چه بیشتر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی این عرفان به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

نمودار ۱: آسیب‌های فرهنگی عرفان حلقه



نمودار ۲: آسیب‌های اجتماعی عرفان حلقه



جدول ۳: راهبردهای فرهنگی و اجتماعی

راهبردها	راهکارها	راهکارهای عملیاتی
فرهنگی	آگاهی بخشی و اطلاع‌رسانی	شناسایی ماهیت، اهداف و روش‌های جذب عرفان‌های نوپدید به مردم از طریق رسانه
		برگزاری دوره‌های آموزش مهارت‌های معنوی در مساجد و فرهنگ‌سراها
		جانمایی درسی به نام آشنایی با جریان‌های فرهنگی نوپدید در مراکز دانشگاهی (به منظور شناساندن اثرات و آسیب‌های آنها به نسل جوان)
		معرفی فعالیت‌های هنری، عکس‌ها، آرم‌ها و علائم مخصوص این عرفان به مردم
		معرفی آموزه‌های انحرافی و اهداف پلید فرق نوپدید با ساختن فیلم و..
	تقویت بنیه اعتقادی و معنوی	نقد و بررسی آموزه‌های عرفان حلقه توسط پژوهشگران در رسانه ملی
		تبیین حقایق دین و تقویت باورهای دینی توسط نخبگان دینی و علما
		برجسته‌سازی برتری‌های اسلام نسبت به عرفانه‌های نوپدید
		پاسخ دقیق و به موقع به شبهات و سوالات مطرح در باب دین و مذهب
		جلوگیری از ورود، تولید و فروش علائم و نشانه‌های عرفان حلقه
اجتماعی	کاهش آسیب‌های اجتماعی	تبیین صحیح آموزه‌های دینی در مدارس، دانشگاه‌ها، خانواده‌ها و..
		تعمیق باورهای دینی
		یافتن شیوه‌ها و ادبیات جدید تبلیغ دین در جامعه بویژه در بین نسل جوان
		ارائه الگوهای مناسب دینی به جامعه
		گسترش معنویت اسلامی بر اساس دو شاخص کارآمدی و جذابیت
	تقویت نهادی	کاهش طلاق و به تبع آن تقویت و تحکیم نهاد خانواده
		کاهش فقر و مشکلات اقتصادی در جامعه
		کاهش بی‌اخلاقی اجتماعی
		کاهش تبعیضات اجتماعی
		جلوگیری از رواج نمادهای عرفان‌ها و جریان‌های نوپدید در جامعه
توسعه سرمایه اجتماعی	ایجاد تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی در حوزه‌های مرتبط با جریان‌های نوپدید معنوی- فرهنگی	
	اعطای مجوز تشکیل سمن‌های ضدفرقه‌ای برای آگاهی‌سازی و کمک به آسیب دیدگان و مقابله با فعالیت‌های عرفان‌ها	
	تثبیت و بسط نقش سیاستگذارانه و مدیریتی حوزه‌های علمیه در سازمان‌های مربوط به معنویت	
	توسعه مشارکت اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های دینی و هویت‌های اجتماعی	
	توسعه همگرایی و باور ملی و امید آفرینی	
مدیریت اوقات فراغت	تحکیم انسجام اجتماعی	غنی‌سازی برنامه‌های معنوی مراکز رسمی و غیررسمی آموزش و پرورش از مهد کودک تا مراکز آموزش عالی
	توسعه نظارت همگانی	نظارت بر بازی‌های رایانه‌ای
	توسعه نظارت همگانی	جهت دهی معنوی به اوقات فراغت جوانان با همکاری وزارت ورزش و جوانان و سازمان‌ها و نهادهای مربوط به امور جوانان

منابع

- حمیدی‌فراهانی، همایون و حشمتی، هادی (۱۳۹۱)، بررسی جایگاه و تحولات فرهنگ در فرایند جهانی‌شدن، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۹: ۱۸۰-۱۵۳.

- داودی، علیرضا؛ عقیلی، سید وحید و رسولی، محمدرضا (۱۳۹۸)، تحلیل محتوای برنامه‌های عقیدتی شبکه ماهواره‌ای وصال حق، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۳، شماره ۳: ۲۴۸-۲۲۹.
- رصد (آبان ۱۳۹۷)، گزارش رصد عرفان‌های نوپدید (ویژه‌نامه عرفان حلقه)، ویژه‌نامه رصد، شماره اول.
- روزنامه کیهان (۱۳۹۶/۷/۲۱)، آشنایی با تاریخچه و اهداف عرفان حلقه، کد خبر ۱۱۶۷۹۲.
- روشه، گگی (۱۳۸۴)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
- رهنمائی، حسین؛ نقیب‌السادات، سیدرضا و یکتا، مهدیه (۱۳۹۷)، شناسایی تکنیک‌های تبلیغی عرفان‌واره‌های نوپدید (تحلیل محتوای وب‌سایت‌های اینترنتی تبلیغی فرقه‌های با منشأ هندی)، فصلنامه علوم خبری، شماره ۲۵.
- شکوهی، رسول (۱۳۹۷)، مسائل و مباحث فرقه‌های نوپدید، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی.
- شکوهی، رسول و تمدنی، مجتبی (۱۳۹۸)، تکنیک‌های عملیات روانی در فرقه‌ها، تهران، دانشگاه اطلاعات و امنیت ملی، موسسه چاپ و انتشارات.
- علی‌دوست، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، فقه و عقل، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- کریسایدز، جرج (۱۳۸۲)، تعریف معنویت‌گرایی جدید، ترجمه باقر طالبی، بی‌نا.
- محدثی گیلوایی، حسن (۱۳۹۵)، جریان‌های دینی و معنوی بدیع: بررسی و نقد رویکردهای تبیینی، جهت‌گیری‌های هنجاری و راهبردهای عملی، در غلامرضا غفاری؛ محمدرضا جوادی‌یگانه، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، تهران، شورای اجتماعی کشور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مظاهری‌سیف، حمیدرضا (۱۳۸۸)، جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوپدید، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مقدس، احسان (۱۳۸۴)، کثر راهه شیطان نقدی بر انواع و گروه‌های شیطان‌پرستی، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۲)، نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران، همشهری.
- Holeston, T.G. & Garry, T. (2011). "An overview of content analysis", *The Marketing Review*, 3, 479-498.
- Hsieh, Hsiu- Fang, Shanon, Sara E (2005), "Three Approaches to Content Analysis", *Qualitativr Health Research*, vol. 15, No.9.
- Sandelowski, M. (2011). "Sample size in qualitative research", *Res Nurs Health*; 18(2): 179- 83.
- Uruk, Colonia (2002), *Colonies without Colonialism: a Trade Diaspora Model of Fourth Millennium BC Mesopotamian Enclaves in Anatolia*, in: C. L., Lyons and J. K., Papadopoulos (eds.), *the Archaeology of Colonialism*, Getty Research Institute, Los Angeles, California.

**Analysis of socio-cultural harms of emerging cultural currents
(Case study of ring mysticism in Tehran and Karaj metropolis)**

Mohammad Reza Taji Eshkftaki¹

PhD Student in Political Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Sasan Vadiea²

Assistant Professor, Faculty Member, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Reza Safary Shali³

Assistant Professor and Faculty Member of Kharazmi University, Tehran, Iran

Abstract: *The purpose of this article is to investigate the socio-cultural harms of ring mysticism in Iran on the one hand and to provide management strategies in this regard, on the other hand. In this study, data and information were collected using the interview technique. The target population of the study consists of two groups, promoters and members of the emerging current of ring mysticism in Iran, as well as experts and specialists in the field. The sample size was selected using saturation method and 30 people from each group were interviewed. Sampling method was non-probability (targeted sampling and snowball). The collected data were analyzed using qualitative content analysis. The findings indicate that the most important cultural harms of ring mysticism in Iran include: anti-religionism and weakening of religious beliefs, denial and exaltation of God, promotion of a new reading of Islam, personalization of religion, distortion of the face of genuine mysticism, reincarnation, promotion of lifestyle based Individualism and worldly pleasures are overshadowed by Islamic identity, and its most important social ills include suicide, divorce, family rupture, abuse and fraud, declining social trust, undermining common rituals and so on. The most important management strategies of this emerging trend include awareness and information, strengthening the doctrinal and spiritual strength, development of social capital, leisure management, strengthening the functioning of relevant institutions, and so on.*

Keywords: *Emerging cultural currents, ring mysticism, social harm, cultural harm, strategy.*

¹ Email: m_taji1@yahoo.com

² Email: S.vadiea5@gmail.com (Corresponding Author)

³ Email: reza_safaryshali@yhahoo.com